



نگارخانه

پنجاه خاطره از نیروهای نگهبان اراده
اسیران عراقی در ایران

نسرین ساداتیان

مصاحبه: اصغر عزیزی و نسرين ساداتيان

WWW.Ketab.ir

سنگ صحرای ساداتین

سرشناسه: ساداتین، نسرين، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور: نگاهبان؛ پنجاه خاطره از نیروهای نگهبانده اسیران عراقی در ایران / نویسنده نسرين ساداتین؛ مصاحبه اصغر عزيزی و نسرين ساداتین.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهري: ۲۶۴ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰۴۱۳۰-۰

وضعيت رکورد: فيبا

عنوان ديگر: پنجاه خاطره از نیروهای نگهبانده اسیران عراقی در ایران.

فروست: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۹۲، جنگ ایران و عراق، خاطرات؛ ۲۳۶

موضوع: نگاهبانان - ایران - خاطرات

موضوع: Watchmen - Iran - Diaries

موضوع: اسیران جنگی - عراق

موضوع: Prisoners of war - Iraq

موضوع: اسیران جنگی - ایران

موضوع: Prisoners of war - Iran

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - اسیران عراقی

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 - Prisoners

and prisons, Iraqi

شناسه افزوده: اصغر، ۱۳۵۰-

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۲۸

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵-۸۴۳-۹۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۴۰۹۸۳۰

وضعيت رکورد: فيبا



باسم
پاکستان
نقشه
کتاب
شرکت
نماید

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر ادبیات و هنر مقاومت



نگاهبان

پنجاه خاطره از نیروهای نگهدارنده اسیران عراقی در ایران

مصحح: اصغر عزیزی و نسرین ساداتیان

نویسنده: نسرین ساداتیان

صفحه‌آرایی: سیده مریم موسوی

طراح جلد: مهر داد موسوی

واژه‌پرداز: اندیشه

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳-۴۹۲۴-۰

www.sorehmehr.ir

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان ارشد،

پلاک ۲۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۳۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۳۱-۳۲۲۴۷۷۳۵-۶

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

(پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف (hisamaj) در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۷۵٪ تخفیف بگیرید.



فهرست

۹	مقدمه
۱۳	گریه‌ها
	سرهنک احمد حافظ اکبریار
۱۹	عکس‌ها
	کارمند علی ترامشلو
۲۳	اتاق ۳۰۴
	پزشکیار اکرم موسی
۲۹	میهمانان ناخوانده
	پزشکیار محترم بابائی
۳۵	آژیر قرمز
	پزشکیار ربابه خاتونی داریانی
۴۱	انارهای نارس
	ستوان سوم محمد غفاری
۴۵	سکوی پرتاب
	سردار سرتیپ دکتر سیداحمد رضا آقامیری
۴۹	قفسی برای آزادی
	سروان عبدالحسین باقری آلاشتی

۵۵	 باختی برای پیروزی
	سروان رضا یوسفی
۵۹	 صبحی دیگر
	سروان مختار برهانی
۶۵	 دیدار
	سرهنگ شهرام قاسمی
۷۱	 تب کوچولو
	حاج اصغر عزیزی
۷۹	 بوم نقاشی
	سرباز وظیفه امیر جواد شجونی
۸۳	 اسیر اسیران
	آزاده محمدرضا بروجنی
۸۷	 چای
	سرباز وظیفه مرتضی آقامحمدی
۹۱	 مزد مزدورها
	کارشناس غلامعلی علیپور
۹۷	 حق ویزیت
	سرباز وظیفه قدیر عراقی
۱۰۳	 قاب عکس
	سروان میر مجید خاتم نژاد پاکزاد
۱۰۷	 منجیر
	پزشکیار پریوش خداپنده
۱۱۳	 گل خنده
	پزشکیار فاطمه جامه بزرگی
۱۱۷	 پسر سه ساله ام
	پزشکیار مریم شریفی
۱۲۱	 شیرین تر از ملون
	سروان احمد صانعی

۱۲۵	دست پدر.....	سروان هادی پورآصفی
۱۲۹	مالک اردوگاه.....	سرتیپ دوم داوود مهدی زاده
۱۳۵	شب اردوگاه.....	سرتیپ دوم رحمت الله شاه پناه
۱۴۱	ملاقات در وقت اضافه.....	سرتیپ دوم رحیم رستمیان
۱۴۵	دعوت به شام.....	سروان احمد مهدوی زاهد
۱۴۹	توطئه.....	سروان داوود رمضان
۱۵۵	سرماي اسارت.....	سروان عباس حاتمی
۱۶۱	کودکی کوزه ای شکست و گریست.....	سروان غلامرضا لطفعلی سلماسی
۱۶۷	اسیر دست به آچار.....	سروان لطیف حیدری
۱۷۳	سهم ما از حادثه.....	سروان مرتضی زمانی
۱۷۹	دل تنگی ماهی قرمز.....	سرهنک پزشک شاهین شاه پناه
۱۸۳	رد بوسه ها.....	سرهنک پزشک عباس نعمتی
۱۸۷	انفجار.....	سرهنک حسن زمانی
۱۹۱	ملاقات.....	سرهنک حسین الوان ساز یزدی

مقدمه

نگاهم به نوارهای زردرنگ سکوی مترو است؛ منتظر قطار برسد، اما با شنیدن صدای زنگ تلفن از لبه سکو فاصله می‌گیرم و به گوشه خلوتی می‌روم؛ صدای آقای سرهنگ است که مرا برای کاری دربارهٔ خاطرات افراد نگهدارندهٔ ایرانی از اسیران عراقی به دفترش دعوت می‌کند.

فردا سر ساعت می‌روم. در اتاق ایشان، با حاج آقا اصغر عزیزی، که عضو کمیسیون نگهداری از اسیران عراقی بودند، آشنا می‌شوم. روز بعد با ایشان برای مصاحبه با نیروهای نگهدارنده در همین دفتر قرار می‌گذارم. آن‌ها می‌آیند و ساعت‌ها می‌نشینند و از خاطرات اسیران عراقی حرف می‌زنند؛ همه را ضبط می‌کنم و گاهی پرسش‌هایی هم دارم که با کمک آقای عزیزی جواب می‌دهند. آن روز هفدهم اسفند ۱۳۹۵ بود که اولین مصاحبه را با خود حاج آقا عزیزی انجام دادم.

روزها و هفته‌ها می‌گذشت و این گفت‌وگو گرم‌تر از روزهای پیش ادامه داشت. همان روزها متوجه شدم که گذشت زمان جزئیات

را از یاد راوی‌ها برده است. با دقت بیشتری به حرف‌هایشان گوش می‌دادم. علاقه‌ام به دانستن آنچه در اردوگاه‌های اسیران عراقی در ایران می‌گذشت بیشتر می‌شد.

فهمیدم نگاه این نگاهبانان گاهی مثل پدر است که لقمه نانی می‌دهد، گاهی مادری است که دلداری‌اش می‌دهد و این روزهای دوری از خانواده و زندگی‌اش را کمی آسان می‌کند.

همه زحمات‌ها برای راحت زندگی کردن میهمانان عراقی در کمیسیون اداره اسیران عراقی برنامه‌ریزی می‌شد که در رأس این کمیسیون شهید حاج آقا محمدعلی نظران بود.

بعد از یک سال گفت‌وگو با نیروهای نگهدارنده اسیران عراقی خاطرات کوتاه آن‌ها را نوشتیم و با مشورت حاج آقا عزیزی آماده چاپ شد.

حالا این کتاب با عنوان نگاهبان پیش روی شماست. دوست دارم این کتاب را به پدرم، که نامش «بارانی ساداتیان» بوده تقدیم کنم؛ چون روزی که به دنیا آمد در زادگاهش، رامهرمز، از توابع استان خوزستان، بعد از یک خشک‌سالی طولانی باران زیادی بارید.

امیدوارم این کتاب گوشه‌ای از زحمات بزرگ ارتش ما را برای نگهداری از اسیران عراقی نشان دهد.

نسرین ساداتیان

پاییز ۱۳۹۸